

محمد کامران - بیشتر به مناره شبیه هستند تا دودکش. شاید اگر توریستی گذرش به مشهد بیفتد و برایش توضیح بدهیم که این هادودکش کوره‌های آجرپزی هستند، فکر کند اورادست انداخته‌ایم. احتمالاً این سؤال را خواهد پرسید که مگر می‌شود مناره‌های به این بلندی و با این ظرافت در ساخت، فقط برای خروج دود کوره آجرپزی باشد؟ بله! این خاصیت معمار و معماری ایرانی است که بلد نیست سرسری کار کند و همه هنرش را حتی برای ساخت یک دودکش ساده به کار می‌گیرد. شاهد این موضوع تزیینات بی نظیر انتهای همین میل کوره‌های آجرپزی است. جایی که دیگر آجرها ساده کار نشده‌اند و برای خودشان طرح و شکلی دارند، درست شبیه پشت بام‌های خانه‌های قدیمی چند صد ساله‌ای که تک‌وتوکی از آن‌ها در مشهد باقی مانده است. پدر بزرگ‌ها خیلی خوب یادشان است که در مشهد چندین و چند میل کوره فعال بود و آجر خانه‌های شهر را تأمین می‌کرد، اما حالا همه‌شان خاموش شده‌اند. از میان آن همه میل کوره آجرپزی هم فقط تعداد انگشت‌شماری هنوز سر پا هستند. معروف‌ترینشان کوره رستگار مقدم در خیابان میرزا کوچک خان است، اما آن چند تایی دیگر مثل میل کوره آجرپزی جاده سیمان غریب افتاده‌اند و اصلاً بعید نیست که این اثر زیبای معماری امروز و فردا در حوالی ۷۰ سالگی به سر نوشت سایر اسلافش دچار شود.

حاج عباس کشمیری از میل کوره جاده سیمان می‌گوید

غریب و ناشناس

آغل مستحکم امروزی!

بعد از شلوغی‌های جاده سیمان و دوربرد کردن سپس آباد، روی پل معروف حاج رجبعلی که قرار می‌گیریم، کم‌کم چهره میل کوره آجرپزی معروف این راسته پیدا می‌شود. از همین جا هم مشخص است که حال و روز این اثر معماری شاید تاریخی خیلی خوب نیست و همین که تا امروز سر پا مانده، جای شکرش باقی است. نزدیک‌تر که می‌رویم، حساسی توی ذوقمان می‌خورد، هر چقدر که به میل رستگار مقدم رسیدیم و تر و تمیزش کردیم، این یکی سال هاست به حال خودش رها شده است؛ معلوم است اصلاً برای کسی مهم نیست. جدا از انواع و اقسام تبلیغاتی که روی دیوار میل نوشته‌اند، حضور گوسفند فروش‌ها و چریدن بز و گوسفندشان در ست پای میل، توی ذوق می‌زند. یکی از گوسفند فروش‌ها مشغول معامله و چک و چانه زدن با خریدار است و هنوز متوجه حضور مانده‌شده تاپا پیمان شود که اینجا چه می‌خواهید؟ از بین گوسفندفروشی‌ها می‌شویم و مشغول انداز و رنداز کردن میل کوره آجرپزی می‌شویم. ظاهرش که نشانی از آسیب و خرابی نمی‌دهد. انگار هنوز مثل روز اول قرص و محکم است. البته گویا هم زمان پازمین لرزه‌های بی‌دری می‌دهد و در فروردین امسال، چند آجری از سر دودکش به پایین افتاده، ولی آسیب جدی ندیده است. اگر این بنا را که بیش از ۶ دهه عمر دارد، بگذارید کنار برخی خانه‌ها و بیمارستان‌های تخریب شده سر پل ذهاب و کرمانشاه که عمرشان به یک‌دهه هم نمی‌رسیده، متوجه می‌شوید که معماری آن تاجه حد قرص و محکم است.

تنه‌باز مانده کوره‌های جاده سیمان

جوان ترهای محل می‌گویند از زمانی که چشم‌باز کرده‌اند، این کوره و دودکشش این جابوده است و اطلاعات چندانی ندارند که مالک آن کیست و تاریخ ساختش به چه زمانی برمی‌گردد؟ برای همین حواله‌مان می‌دهند به پدر و مادرها و موسفیدهای جاده سیمان تا آن‌ها اگر باز کارمان باز کنند. سراغ چند نفرشان که می‌رویم همان اطلاعاتی را که همه‌دار ندیده‌ایم را در اینترنت پیدا می‌شود، تحویل‌مان می‌دهند: اینکه در مشهد از این کوره‌ها زیاد بوده و معروف‌ترین‌شان میل رستگار مقدم در خیابان میرزا کوچک خان است و...

در این میان باراهنمایی برخی از اهالی، حاج رضاسخی زاده را پیدا می‌کنیم که از قدیمی‌های محدوده رسالت است. حاج رضای می‌گوید: ۴۰-۵۰ سال پیش در این محدوده کوره آجرپزی فراوان بود. تا همین چند سال پیش هم چند تایی از میل دودکش‌هایشان در سیاست و قرقی و همت آباد پیر جابوده که صاحبان زمین‌هایشان، آن‌ها را خراب کردند.

سخی زاده نفسی تازه می‌کند و ادامه می‌دهد: اگر اشتباه نکنم قدیمی‌ترین نشان باید همین کوره بعد از پل حاج رجبعلی باشد که متعلق به حاج‌هاشم رستگار مقدم بود. از اقوام همان رستگار مقدم معروف که الان پارکی به نامش است و میل کوره آجرپزی‌اش هم درست کنار همان پارک است. این یکی هم چون کنار جاده افتاده و هنوز زمینش را کسی نخریده، سالم مانده است و گر نه تا الان صدمه خرابی کرده بودند.

او تخریب این میل کوره‌ها را اگر اشتباهی می‌داند و اضافه می‌کند: حیفا است که میل کوره‌ها را خراب می‌کنند. این‌ها نشان می‌دهد که معماران قدیمی ما چقدر استاد بودند که ۶۰-۷۰ متر مدور آجر چینی می‌کرده‌اند، بدون اینکه ذره‌ای کج شود. همین میل کوره را ببینید؛ حتی بعد از این همه سال که در معرض باد، باران، برف و حتی زلزله بوده، آخ هم نگفته است.

معمارش مشهدی نیست

پس از جست‌وجوهای فراوان و باسرنخ‌هایی که اهالی به ما داده بودند، حاج عباس کشمیری را پیدا کردیم. کسی که در روزهای ساخت این میل کوره آجرپزی، وردست استادکار آن بوده و آجر به دستش می‌داده است.

حاج عباس همان اول کار آب‌پاکی را روی دستمان می‌ریز و می‌گوید: کویده در مشهد دنبال معمار این بنا نکر دیدم، چون تهرانی است و بعد می‌گوید: اصل این میل‌ها و این شکل از کوره‌ها مال تهرانی‌هاست و آنجا هم هنوز تعداد زیادی میل و کوره باقی مانده که فعال هستند ولی میل‌های مشهد را یا خراب کرده‌اند یا اینکه کوره‌هایشان را با خاک پر و میلش را تخریب کردند.

حاج عباس با خنده ادامه می‌دهد: این یکی در جاده سیمان فعال‌قصر در رفته است. سپس می‌گوید: ۶۰ سال پیش که می‌خواستند این میل را بسازند، صاحبان کوره در قند و از تهران اوستار را آوردند. این آدم متخصص ساخت دودکش کوره آجرپزی بود. هنوز میل‌هایی که در شهر خودش ساخته، سرپاست و کار می‌کند. همین آقا معمار همه دودکش‌های کوره‌های آجرپزی این منطقه و حسین آباد است.

حاج عباس سپس به تشریح قیافه و خلقیات استاد قدیمی‌اش می‌پردازد: اوستار ضایک بنای قدبلند لاغر اندام سفید پوست بود که برخلاف دیگر اوستاهای آن زمان اخلاش با کارگرانش خیلی بد نبود. زمانی که ساخت این میل را شروع کردند من ۱۵ یا ۱۶ سال بیشتر نداشتم. یاد می‌آید که قوت غالب روزانه‌اش هم یکی دو تخم مرغ آب‌پز بیشتر نبود.

حفر چاه برای ساخت میل!

حاج عباس اینکه چطور می‌شود یک بنای آجری بدون فنداسیون آهنی، با این ارتفاع و ۶۰ سال قدمت، هنوز سر پا ماند و تخریب نشود را این‌گونه برایمان توضیح می‌دهد: خیلی هافکر می‌کنند که این میل‌ها را همین طور از روی زمین آجر چینی کرده‌اند و تا بالا رفته‌اند.

یادم هست زمانی که اوستار آمد تا این میل را بسازد، گفت که زمین را در حدود ۱۹ متر گود کنند. وقتی به آب رسیدند، درون چاه آهک ریختند و رویش هم سنگ‌های بزرگی انداختند. تا چند روز کارمان همین بود که سنگ و آهک داخل این گودال بریزیم تا بی میل آماده شود.

از این ۱۹ متر، ۱۷ تا ۱۷ مترش به همین شیوه پر شد و از آنجا به بعد تازه کار ساخت دودکش و آجر چینی شروع شد. تا بی به اصطلاح خودش را بگیرد و به قول بناها سفت شود و آماده کار، چیزی در حدود ۲ ماه طول کشید.

این البته غیر از آن ۸۰ روزی بود که خود دودکش را می‌ساختیم.

